

تفاوت‌های گفتار و نوشتار در آموزش مهارت گفتاری زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان

احمد صفارمقدم*

چکیده

در مقاله حاضر، به جایگاه گونه گفتاری در آموزش زبان پرداخته شده و رویکردهای آموزش سنتی و جدید در این حوزه معرفی گردیده است. آنگاه وضعیت آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، در سطوح ابتدایی تا پیشرفته، و نقش مهارت گفتاری بررسی و بر اهمیت تفاوت های گفتار و نوشتار در روند یادگیری تأکید شده است. بخش پایانی مقاله حاوی دسته بندی و توضیح پرکاربردترین تفاوت های واجی، صرفی و نحوی فارسی گفتاری با فارسی نوشتاری از نظر تدریس به غیر فارسی‌زبانان است. داده‌های مقاله عمدتاً از دو طرح پژوهشی *زبان فارسی (صفارمقدم، ۱۳۸۶)* و *فارسی گفتاری (صفارمقدم، ۱۳۹۱)*، که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به انجام رسیده و از مجموعه‌های آموزشی عمده به شمار می‌آیند، گرفته شده و، ضمن استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای، بر اساس تجربه نگارنده، تنظیم و تدوین گردیده‌اند. با توجه به محدودیت مدرسان غیر ایرانی و بسیاری از استادان ایرانی به لحاظ تخصص زبان‌شناسی، کوشش شده است که از پیچیدگی بیان و کاربرد اصطلاحات تخصصی در حد امکان احتراز گردد. محتوای مقاله بخشی جدایی‌ناپذیر از هر برنامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، که با هدف یادگیری مهارت گفتاری طراحی گردیده، محسوب می‌شود. از این‌رو، تسهیل در آموزش زبان فارسی و، درنهایت، کمک به ارتقای سطح و جایگاه فرهنگی ایران در دانشگاه‌ها و مراکز علمی خارج از کشور از نتایج آن است.

* دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی as_moqaddam@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۲۹

کلیدواژه‌ها: آموزش زبان، گونه گفتاری، غیر فارسی‌زبانان، فارسی گفتاری معیار و محاوره‌ای، تغییرات گفتاری زبان فارسی.

۱. مقدمه

آموزش زبان در دنیای غرب، تا حدود دو قرن اخیر، به معنی آموزش لاتین یا یونانی بود. یادگیری لاتین ورزش فکری و رشد عقلانی زبان‌آموز را در پی داشت و جزء تفکیک‌ناپذیر آموزش محسوب می‌شد. روش تدریس لاتین که روش کلاسیک نام داشت بر قواعد دستوری، حفظ کردن واژگان و صرف‌های گوناگون، ترجمه متون و انجام تمرینات مکتوب متمرکز بود (Brown, 2007). روش کلاسیک مهم‌ترین روش تدریس به شمار می‌رفت اما، در آموزش زبان، شکل گفتاری مورد توجه زبان‌آموزان نبود و آموزش بیش‌تر با اهداف عالمانه و به منظور عالم‌نمایی انجام می‌گرفت.

در اواخر قرن نوزدهم، روش کلاسیک، بدون این که تغییرات چندانی یافته باشد، به روش دستور-ترجمه نام‌گذاری شد. مهم‌ترین ویژگی‌های این روش عبارت است از آموزش به زبان مادری، پراکندگی و فراوانی واژگان، توضیحات مفصل دستوری، خواندن و ترجمه متون، و عدم توجه به تلفظ و تکلم (Brown, 2001).

روش دستور-ترجمه از روش‌های دیگر ماندنی‌تر و مقاوم‌تر است، گرچه این روش به رشد توان ارتباطی زبان‌آموزان کمکی نمی‌کند و هزاران زبان‌آموز در کشورهای غربی حفظ کردن واژگان مفصل و قواعد دستوری بی‌فایده و انجام ترجمه‌های کامل از نثرهای ادبی یا کهنه را تجربه کسالت‌آور خود از این روش می‌دانند (Richards and Rodgers, 2001).

گونه گفتاری زبان با ابداع و گسترش «روش مستقیم» توسط چارلز برلیتز (Berlitz) در آغاز قرن بیستم مورد توجه اهل زبان قرار گرفت. واژه «مستقیم» در نام روش بدان معناست که معنی کلمات و عبارات مستقیماً به زبان مقصد، نه به زبان مادری، آموخته می‌شود. این روش یک قانون اصلی دارد: «ترجمه ممنوع است» (Larsen-Freeman, 2003).

با ابداع روش مستقیم، نخستین‌بار در تاریخ آموزش زبان، گونه گفتاری نسبت به گونه نوشتاری زبان تفوق یافت و دارای شأن و جایگاه مستقل گردید. انتشار دوره زبان‌شناسی همگانی، اثر برجسته فردیناند دو سوسور، زبان‌شناس نامدار سوئیسی، سه سال پس از مرگ او، جایگاه مستقل گفتار در برابر نوشتار را تثبیت ساخت و از آن تاریخ به بعد، اصطلاح زبان عمدتاً به گونه گفتاری اطلاق می‌شود (Saussure, 1966).

آموزش زبان در طی یکصد سال گذشته شاهد تحولات و تغییرات زیادی بوده که از سه مکتب فکری عمده به شرح زیر تأثیر پذیرفته است:

۱. زبان‌شناسی ساختارگرا و روان‌شناسی رفتارگرا در اوایل قرن بیستم و نیز دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰؛

۲. زبان‌شناسی گشتارگرا و روان‌شناسی شناختی در دهه‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰؛

۳. بازساخت‌گرایی (constructivism) در دهه‌های ۱۹۸۰، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ (Brown, 2007).

در طی این سده، روش‌های بسیاری ابداع گردیده که هر کدام بخشی از ویژگی‌های روش یا روش‌های قبلی را به همراه داشته اما، پس از چندی، از چرخه آموزش خارج گردیده است (ibid). «صدها روش وجود دارند که به نام بنیان‌گذاران آن‌ها نام‌گذاری شده‌اند» (دباغی مرنند، ۱۳۸۰).

آلبرت مارکوارت (Marcwardt, 1972) بروز و ظهور روش‌های گوناگون آموزشی را به «بادهای وزان و شن‌های روان» تشبیه نموده است. میچل و ویدال (Mitchell and Vidal, 2001) این وضعیت را به رودخانه‌ای شبیه دانسته‌اند که از آب رودها، نهرها و چشمه‌های دوردست پر می‌شود و همه آن‌ها را باران در سطحی وسیع تغذیه می‌کند.

منشأ اصلی گوناگونی و کثرت روش‌های آموزش زبان جست‌وجوی «بهترین روش» بوده است، زیرا مدرسان و زبان‌آموزان تاکنون انتخاب روش و بهترین روش را مهم‌ترین عامل موفقیت برای برنامه آموزشی شمرده‌اند؛ در حالی که هیچ روشی را نمی‌توان بهترین روش دانست و «هرگز در گذشته روشی برای همه وجود نداشته و شاید هرگز در آینده هم وجود نداشته باشد». همچنین انتخاب روش آموزش به عنوان مهم‌ترین عامل موفقیت امروزه فاقد اعتبار بوده و اعتقاد بر این است که «برای آموزش زبان باید مجموعه‌ای از کارها و فعالیت‌های متناسب با هر گروه خاص دانشجویی، هر محل خاص، هر هدف خاص، و هر شرایط دیگر، برای مدت زمان تعیین‌شده، مورد نظر قرار گیرد» (Nunan, 1991b).

۲. نقش گفتار در آموزش فارسی به غیر فارسی‌زبانان

توجه به زبان فارسی، در چند دهه گذشته، به دلیل جایگاه فرهنگی و تمدنی ایران، تحولات انقلاب اسلامی، تنوع مخاطبان و گستره جغرافیایی این زبان، در صدر برنامه‌های برون‌مرزی کشور واقع شده و با تأسیس «شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی» در سال ۱۳۶۶ در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و، متعاقباً، ایجاد «مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی» در

سال ۱۳۷۴ در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی تلاش‌های مؤثرتری در این باره صورت گرفته است. شایان ذکر است، در تمامی برنامه‌های آموزش زبان فارسی، مهارت‌های گفتاری نقش برجسته‌ای داشته و دارد.

فعالیت‌های آموزشی داخل ایران بیش‌تر با اهداف فرهنگی، علمی و دینی صورت می‌گیرد. جامعه المصطفی العالمیه بیش‌ترین تعداد فارسی‌آموزان را دارد. دانشگاه امام خمینی قزوین و دانشگاه‌های تهران، اصفهان و شیراز پرکارترین مراکز دانشگاهی کشورند. سایر دانشگاه‌ها نیز که در حوزه علوم انسانی فعال‌اند دارای دانشجوی خارجی می‌باشند. گونه گفتاری در این مراکز نیاز قطعی، مسلم و فوری زبان‌آموزان است.

دانشجویان خارجی در ایران، که به تفکیک رشته زبان و ادبیات فارسی، از یک سو، و سایر رشته‌ها، از سوی دیگر، به دو گروه بزرگ تقسیم می‌شوند، در کشور خود، زبان فارسی را تاحدی فرا می‌گیرند و، قبل از آغاز دروس تخصصی در دانشگاه‌های مربوط، دوره‌های محدود آموزش زبان را طی می‌کنند. برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری متکی بر آموزش ادبیات است و مراکز دانشگاهی، که از بیش‌ترین فرصت‌های تربیت مدرس زبان فارسی در این مقاطع برخوردارند، به تصور این‌که صرف تحصیل در محیط فارسی‌زبان کسب مهارت گفتاری را ممکن می‌سازد، از توجه کافی به اجرا و تداوم برنامه‌های ویژه باز می‌مانند. «یکی بودن کلاس خارجی‌ها با ایرانی‌ها مشکلات بسیاری پدید می‌آورد» و «منابع درسی تقریباً همان منابع درسی دانشجویان ایرانی است» (اکبری، ۱۳۸۱). این وضعیت کم و بیش ادامه دارد و زبان‌آموزی در رشته‌های غیر از زبان و ادبیات فارسی با مشکلات بیش‌تری همراه است.

در مراکز دانشگاهی خارج از کشور، دانشجویان با اهداف تحصیلی متفاوتی به آموزش زبان فارسی می‌پردازند. در تعدادی از این مراکز، فارسی رشته اصلی با هدف مطالعه در زبان، فرهنگ و تمدن ایران و آشنایی با شرایط امروز آن شمرده می‌شود. در برخی از آن‌ها، فارسی درس اجباری از رشته دیگری است و، در کلاس‌های زیادی، درسی اختیاری به حساب می‌آید. کلاس‌های آموزش زبان فارسی در رایزنی‌های فرهنگی اغلب به زبان‌آموزان متفرقه در سنین مختلف اختصاص دارد و شرکت در کلاس‌ها داوطلبانه است. برنامه‌های آموزشی این مرکز شامل دوره‌های مقدماتی نیم‌ساله تا مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات فارسی را دربر می‌گیرد.

فراگیری زبان فارسی از علاقه به تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران، ادبیات فارسی، معاشرت

و خویشاوندی با ایرانیان، سینمای ایران و سفر به این سرزمین کهن و نیز انگیزه‌های شغلی، اقتصادی، تجاری یا سیاسی و نظامی نیز ناشی می‌شود. از این گذشته، نسل‌های جدید ایرانیان خارج از کشور گروه بزرگ دیگری را تشکیل می‌دهند که به یادگیری زبان فارسی و آشنایی با همه جنبه‌های مربوط به ایران اشتیاق وافر نشان می‌دهند.

محیط زبانی و تسلط زبانی استاد از مهم‌ترین عوامل فراگیری گونه گفتاری شمرده می‌شود. آموزش زبان فارسی در خارج از کشور اغلب به کلاس‌های درسی در محیط‌های غیر زبانی محدود می‌شود. تنها درصد اندکی از مخاطبان در محیط‌های شبه فارسی که ایرانیان در آنجا حضور دارند و ارتباط با آنان امکان‌پذیر و آسان است به سر می‌برند. همچنین در این کلاس‌ها، تدریس عمدتاً بر عهده مدرسان غیر ایرانی یا ایرانیانی است که تخصصی به جز آموزش زبان دارند. از طرف دیگر، مدت زمان تدریس در کلاس‌های درسی کوتاه است و استادان از دسترسی به منابع تخصصی و بهینه آموزش زبان محروم‌اند. «در ۹ دانشگاه از دانشگاه‌های کشور مغرب بیش از ۲۵۰۰ دانشجوی زبان فارسی می‌آموزند. مدت زمان آموزش دو نیم‌سال، هر هفته یک جلسه دوساعته است». همچنین: «نبود آزمایشگاه زبان و وسایل کمک آموزشی دیداری و شنیداری، رسیدن به آرمان آموزش زبان بیگانه (فارسی) را به طور کلی ناشدنی می‌کند. در برابر این دشواری‌ها، استاد چه خاکی به سر خود کند؟» (الزیموسی، ۱۳۸۷)

به‌رغم علاقه مشترک نسبت به ارتباط کلامی، فارسی‌آموزان خارج از کشور، به تناسب اهداف، انگیزه و امکانات آموزشی خود، نیازهای متفاوتی نسبت به گونه گفتاری احساس می‌کنند. «زبان‌آموزان مختلف نیازهای ارتباطی متفاوتی دارند» و «لزومی ندارد که هر زبان‌آموز همه چیز را بیاموزد» (Nunan, 1998). میل شدید و نیاز به یادگیری این‌گونه، بیش از همه، در مورد زبان‌آموزانی صادق است که یا با ایرانیان انس و الفت و خویشاوندی برقرار کرده‌اند یا قصد سفر به ایران و تحصیل در این کشور را دارند و یا وضعیت شغلی آنان چنان نیازی را ایجاد می‌نماید.

مجموعه محدودیت‌هایی که به آنها اشاره شد باعث می‌شود که دانشجویان زبان فارسی در خارج از کشور این زبان را اغلب به گونه نوشتاری فرا گیرند و بیش از همه در یادگیری مهارت گفتاری با مشکل مواجه شوند. اما تفاوت‌های نوشتار و گفتار در زبان فارسی به حدی است که، بدون آگاهی و اشراف کاربردی بر آنها، حتی در مراکز دانشگاهی داخل کشور، سخن گفتن روان و طبیعی دشوار می‌شود. «تفاوت گفتار و نوشتار

از بنیادی‌ترین مشکلاتی است که زبان‌آموزان غیر فارسی‌زبان در مراحل اولیه یادگیری زبان فارسی با آن روبه‌رو می‌شوند» (جعفری، ۱۳۹۰).

به تأکید می‌توان گفت که ارتقای گونه گفتاری زبان فارسی، مخصوصاً در خارج از کشور، مستلزم تولید منابع آموزشی مناسب و نرم‌افزارهای ویژه می‌باشد و نگارنده اعتقاد دارد که لازم است در همه برنامه‌های درسی که به مهارت گفتاری علاقه‌مند یا نیازمندند. تفاوت‌های گونه گفتاری با گونه نوشتاری مورد توجه جدی قرار گیرد.

۳. گونه‌های گفتاری مبنا

در مقاله حاضر، بررسی تغییرات گفتاری زبان فارسی نسبت به شکل نوشتاری آن بر مبنای گونه‌های گفتاری معیار و محاوره‌ای صورت گرفته است. نظر به ضرورت شناخت این گونه‌ها، به شرح مختصر آن‌ها می‌پردازد (مدرسی، ۱۳۶۸؛ صفارمقدم، ۱۳۹۱):

۱.۳ گونه معیار

گونه معیار زبان گفت و گو میان تحصیل کردگان و فرهنگیان جامعه است که بر پایه فارسی گفتاری رایج در تهران شکل گرفته و در دانشگاه‌ها، مراکز علمی و آموزشی و مدارس سراسر کشور به آن تدریس می‌شود. همچنین در محافل اجتماعی، اداری و سیاسی به این گونه سخن می‌گویند.

گونه گفتاری معیار هم در روابط رسمی با مقامات بالاتر، هم سطح، و افراد بیگانه کاربرد دارد و هم در ارتباط غیر رسمی با نزدیکان، خویشاوندان و همکاران؛ اما، در همه جا، با ادب و احترام همراه است و از چهارچوب رفتارهای اجتماعی پسندیده خارج نمی‌شود. این گونه برای خارجیانی که قصد مطالعه در متون زبان، ادب و فرهنگ ایران را دارند و ارتباط کلامی زیادی با اهل زبان مورد نظر آنان نیست کارآیی بهینه داشته و مناسب‌ترین گونه به شمار می‌رود.

۲.۳ گونه محاوره‌ای

گونه محاوره‌ای گونه غیر رسمی زبان فارسی است که با گونه معیار وجوه اشتراک زیادی دارد و کاربران آن اکثر مردم، اعم از تحصیل کرده و دیگران، به‌ویژه نسل جوان هستند.

فارسی‌آموزان خارجی که علاقه‌مند به مراوده با ایرانیان بوده یا قصد اقامت در ایران را داشته باشند لازم است گونه‌ی محاوره‌ای زبان را نیز فراگیرند. مشخصات این‌گونه به شرح زیر است:

الف) ساده، صمیمی و خودمانی است. به همین دلیل، ضمیر دوم شخص مفرد «تو» در آن کاربرد زیادی دارد؛

ب) واژه‌ها و ترکیبات جدیدی که غالباً جوانان با ذوق و سلیقه‌ی شخصی ابداع می‌کنند در آن فراوان است؛

پ) برخی اصطلاحات و ترکیباتی که اقشار فرهیخته و مسن‌تر جامعه کاربرد آن‌ها را ناپسند می‌دانند در آن استفاده می‌شود؛

ت) از این گونه مخصوصاً در برنامه‌های طنز و بیان شاد و مفرح به‌شدت سود برده می‌شود. سریال‌های تفریحی و خنده‌دار معمولاً سرشار از عناصر محاوره‌ای است. این نمونه‌ها به گونه‌ی محاوره‌ای تعلق دارد: گیر نده، بی‌خیال شو، اس بده، سیریش نشو، حال می‌ده، خفنه، کجای کاری؟

۴. تفاوت‌های گفتاری و نوشتاری زبان فارسی

دسته‌بندی و شرح مجموعه‌ی تفاوت‌های گفتاری و نوشتاری زبان فارسی در هشت بخش به شرح زیر آورده شده است:

۱. تفاوت‌های گفتاری افعال؛

۲. تفاوت‌های گفتاری «را»، نشانه‌ی مفعول مستقیم؛

۳. تفاوت‌های گفتاری ضمیرهای شخصی و مشترک؛

۴. تفاوت‌های گفتاری جمع؛

۵. تفاوت‌های گفتاری حذف؛

۶. تفاوت‌های گفتاری فعل‌های حرکتی؛

۷. تفاوت‌های گفتاری واژگان؛

۸. ساخت‌های ویژه و واژگان گفتاری.

به لحاظ تأثیرگذاری کاربردی مقاله، توصیه می‌شود که استادان و برنامه‌ریزان آموزش زبان فارسی به موارد زیر توجه نمایند:

۱. این مقاله مجموعه فشرده‌ای از قواعد و ویژگی‌های آوایی را دربر دارد و نباید یادگیری آن را به صورت یک‌جا از دانشجوی عادی انتظار داشت. بنابراین، استادان محترم بهتر است هر نکته را در زمان و جای مناسب، به زبان ساده و در حد نیاز، مطرح سازند و با تمرینات کافی آموزش دهند؛
۲. در کلاس‌های تخصصی و دوره‌هایی که به آموزش گونه گفتاری زبان فارسی اختصاص دارد و دانشجویان از آمادگی کافی برخوردارند می‌توان تمامی محتوای مقاله را یک‌جا، به صورت برنامه درسی کلاس یا دوره، آموزش داد؛
۳. مقاله حاضر شامل رایج‌ترین تفاوت‌های گفتاری زبان فارسی است که از اولویت بیشتری برخوردارند و در سطح زبان عمومی بیش از همه به آن‌ها احساس نیاز می‌شود. از پرداختن به مباحثی که باعث دشواری آموزش در این سطح می‌شود، مانند جزئیات فرایندهای همگونی و ناهمگونی (← کلباسی، ۱۳۸۰)، احتراز گردیده است؛
۴. تفاوت‌های دوگونه با املائی گفتاری و نشانه‌های آواشناسی ثبت گردیده و از خط زیر برای نشان دادن تکیه کلمه استفاده شده است. به دانشجویان گرامی توصیه می‌شود که، برای نوشتن فارسی، گونه نوشتاری را مبنا قرار دهند؛
۵. ثبت گونه نوشتاری در این مقاله مطابق دستور خط فارسی (۱۳۸۱) صورت گرفته اما در مورد املائی گفتاری قواعد مصوبی وجود ندارد. از این‌رو، شیوه نگارش گفتار در این مقاله پیشنهاد نگارنده است.

۱.۴ تفاوت‌های گفتاری افعال

۱.۱.۴ شناسه‌های فعل مضارع

شناسه‌های فعل، به دلیل وسعت کاربرد، حایز اهمیت فراوانند. در فعل مضارع که سه شکل مضارع ساده (مضارع بدون پیشوند «می»)، مضارع اخباری و مضارع التزامی را دربر می‌گیرد، سه شناسه از شش شناسه در گفتار به شرح زیر تغییر می‌کنند (کلباسی، ۱۳۸۰؛ وحیدیان کامکار، ۱۳۸۴):

دَ	← /æd/	ه:	/e/	دارد، می‌خواند، بخواند	←	داره، می‌خونه، بخونه
ید	← /id/	ید، -ین:	/id, in/	دارید، می‌خوانید، بخوانید	←	دارید/ان، می‌خونید/ان، بخونید/ان
ند	← /ænd/	ن:	/æn/	دارند	←	دارن

تغییر شناسه سوم شخص مفرد از «د» به «ه» در میان شناسه‌های افعال فارسی از همه محسوس‌تر است و در آموزش زبان بیش‌ترین توجه و تمرین را می‌طلبد. شناسه دوم شخص جمع در شکل گفتاری به هر دو صورت «-ید» و «-ین» کاربرد دارد، با این تفاوت که «-ید» بیش‌تر در روابط رسمی و محترمانه‌تر به کار می‌رود اما کاربرد «-ین» حالتی غیر رسمی، دوستانه و خودمانی دارد.

۲.۱.۴ فعل ربطی «است»

در میان افعال فارسی، فعل ربطی «است» به لحاظ بسامدی بیش‌ترین کاربرد را دارد (حسینی، ۱۳۸۴؛ عاصی، ۱۳۸۵). این فعل از نوشتار به گفتار به شرح زیر تغییر می‌کند:

۴-۱-۲-۱ پس از کلمات مختوم به هم‌خوان، /e/ تلفظ می‌شود:

این کتاب است. ← این کتابه. /ke'tabe/

۴-۲-۱-۲ پس از واکه /i/ با استفاده از هم‌خوان میانجی /z/ به صورت /je/ تلفظ می‌شود:

این صندلی است. ← این صندلیه. /sændæ'lije/

۴-۲-۱-۳ پس از واکه /a/ به صورت /s/ کوتاه می‌شود:

صندلی کجاست؟ ← صندلی کجاس؟ /ko'jas/

اخیراً برخی از فارسی‌زبانان «است» را پس از /a/ به صورت /je/ تلفظ می‌کنند که خارج از گونه گفتاری معیار بوده و یادگیری آن توصیه نمی‌شود.

۴-۲-۱-۴ پس از واکه /u/ به صورت /e/ تلفظ می‌شود:

فرهاد دانشجو است. ← فرهاد دانشجوئه. /daneʃ'dʒue/

۴-۲-۱-۵ پس از واکه /o/ به صورت /e/ تلفظ می‌شود:

این مال تو است. ← این مال توئه. /'toe/

۴-۲-۱-۶ پس از کلمات مختوم به /e/، در کلمات تک‌هجایی به صورت /e/ درمی‌آید:

این «ت» است. ← این «ت»ئه. /'tee/

۴-۲-۱-۷ در کلمات دو یا چندهجایی مختوم به /e/، ابتدا /e/ به /æ/ تغییر می‌کند و سپس «است» به صورت /s/ کوتاه می‌شود. این تغییر در گونه گفتاری بسیار رایج است و به تمرین بیش‌تری نیاز دارد:

این یک نامه است. ← این یه نامه‌س. /na'mæ:s/

۳.۱.۴ شناسه‌های «بودن»

شناسه‌های «بودن»، پس از کلمات مختوم به واکه، با تغییراتی از نوشتار به گفتار همراه اند که فراگیری آن‌ها را برای غیر فارسی‌زبانان غالباً دشوار می‌سازد. از این‌رو، صورت‌های شش‌گانه این شناسه‌ها به طور کامل آورده شده است:

پس از /a/، نوشتاری:	من این جایم، تو این جایی، او این جاست، ما این جاییم، شما این جایید، آن‌ها این جایند
" گفتاری:	من این جام، تو این جایی، اون این جاس، ما این جاییم، شما این جاییین، اونا این جان
پس از /e/، نوشتاری:	خسته‌ام، خسته‌ای، خسته است، خسته‌ایم، خسته‌اید، خسته‌اند
" گفتاری:	خسته‌م، خسته‌ای، خسته‌س، خسته‌ایم، خسته‌این، خسته‌ن
پس از /u/، نوشتاری:	دانشجوام، دانشجویای، دانشجویست، دانشجویایم، دانشجویاید، دانشجویاند
" گفتاری:	دانشجوام، دانشجویای، دانشجویئه، دانشجویئیم، دانشجویئین، دانشجویئئن

۴.۱.۴ تصریف‌های حذفی

از تفاوت‌های دو گونه نوشتاری و گفتاری در زمان‌های مضارع، که یادگیری مهارت گفتار را دشوار می‌سازد، وجود افعالی است که ستاک‌های فعلی آن‌ها در گفتار با فرایند حذف کوتاه می‌شوند (کلباسی، ۱۳۸۰؛ فولادی، ۱۳۸۲؛ وحیدیان کامکار، ۱۳۸۴). پیشنهاد می‌شود که، در آموزش گفتاری این افعال، از اول شخص مفرد گفتاری به طور یک‌پارچه استفاده شود، نه از ستاک‌های گفتاری آن‌ها:

مصدر	ستاک نوشتاری	ستاک گفتاری	اول شخص نوشتاری	اول شخص گفتاری
دادن	ده /dæh/	د /d/	می‌دهم	می‌دم /'midæm/
رفتن	رو /ræv/	ر /r/	می‌روم	می‌رم /'miræm/
شدن	شو /ʃæv/	ش /ʃ/	می‌شوم	می‌شم /'miʃæm/
انداختن	آنداز /æn'daz/	نداز /ndaz/	می‌آندازم	می‌ندازم /'mindazæm/
گذشتن	گذر /go'zær/	گذر /gzær/	می‌گذرم	می‌گذرم /'migzæræm/
شناختن	شیناس /go'zær/	شیناس /ʃnas/	می‌شیناسم	می‌شیناسم /'miʃnasæm/

نمونه‌های دیگر: شمردن، شنیدن، فرستادن، فروختن، گفتن.

۵.۱.۴ ماضی مطلق و ماضی نقلی

این دو زمان در گونه نوشتاری، هم از نظر آوایی و هم نگارشی، ساختار متفاوتی دارند، اما در گونه گفتاری، جز به لحاظ محل تکیه و شکل سوم شخص مفرد، یکسان تلفظ می‌شوند. تکیه در ماضی مطلق روی هجای ماقبل آخر (و روی هجای آخر در سوم شخص مفرد)

گذاشته می‌شود، ولی در ماضی نقلی همه‌جا بر هجای پایانی قرار می‌گیرد. همچنین، از سوم شخص مفرد ماضی نقلی، «است» در گفتار حذف می‌شود (کلباسی، ۱۳۸۰؛ فولادی، ۱۳۸۲؛ زاهدی اصل، ۱۳۸۳؛ وحیدیان کامکار، ۱۳۸۴):

ماضی نقلی گفتاری	ماضی نقلی نوشتاری	ماضی مطلق نوشتاری	نوشتم	نوشتید
/neveʃ'tæm/	/neveʃ'tæm/	/ne'veʃtæm/	نوشتَم	نوشتید
/neveʃ'ti/	/neveʃ'tei/	/ne'veʃti/	نوشتی	نوشتید
/neveʃ'te/	/neveʃ'te æst/	/ne'veʃt/	نوشتی	نوشتید
/neveʃ'tim/	/neveʃ'teim/	/ne'veʃtim/	نوشتیم	نوشتید
/neveʃ'tid,in/	/neveʃ'teid/	/ne'veʃtid/	نوشتید	نوشتید
/neveʃ'tæn/	/neveʃ'tænd/	/ne'veʃtænd/	نوشتند	نوشتید

تفاوت تکیه در ماضی‌های مطلق و نقلی منحصر به صورت‌های مثبت فعل است. صورت‌های منفی این دو زمان در گفتار یکسان تلفظ می‌شوند و یکسان تکیه می‌گیرند:

نُوشتم (ماضی مطلق) ← نُوِشْتِه‌ام (ماضی نقلی) ← شکل گفتاری هر دو: /næneveʃtæm/

۶.۱.۴ ستاک «a/» یا مختوم به «a/»

گروهی از مصدرهای زبان فارسی دارای ستاک مضارع «a/» هستند، مانند «آمدن»، و یا ستاک مضارع آن‌ها به «a/» ختم می‌شود، مانند «خواستن». تغییرات گفتاری این افعال در مضارع اخباری به شکل زیر است:

نوشتاری: می‌آیم، می‌آیی، می‌آید، می‌آییم، می‌آیید، می‌آیند

گفتاری: میام، میای، میاد، میایم، میاین، میان

ستاک مضارع «خواستن»، «پاییدن» و «زاییدن» که به این گروه تعلق دارند به ترتیب می‌شود: «خواه /xɑ/»، «پا» و «زا».

۷.۱.۴ مضارع جاری

از مضارع اخباری در هر دو گونه نوشتاری و گفتاری استفاده می‌شود، اما کاربرد مضارع جاری به معنی فعلی که در زمان سخن گفتن گوینده در حال وقوع (جاری) است و یا در زمان کوتاهی پس از آن رخ خواهد داد به گونه گفتاری اختصاص دارد و در گونه نوشتاری معمولاً به کار نمی‌رود. از این زمان با نام‌های مضارع ملموس، مضارع ناقص و مضارع مستمر نیز یاد می‌شود و ساختار آن متشکل از مضارع داشتن + مضارع اخباری فعل اصلی جمله است: دارم کار می‌کنم.

باید در نظر داشت که ساختار فوق محدود به شکل مثبت فعل است و در فعل منفی، «داشتن» حذف می‌شود. بنابراین، شکل منفی مضارع اخباری و مضارع جاری یکسان است:

مضارع اخباری مثبت	مضارع جاری مثبت	مضارع اخباری و جاری منفی
کتاب می‌خونم	دارم کتاب می‌خونم	کتاب نمی‌خونم

۸.۱.۴ ماضی جاری

ماضی جاری (ملموس، ناقص یا مستمر)، به معنی فعلی که در زمان مورد نظر گوینده در گذشته جریان داشته، با استفاده از «داشتن» و ماضی استمراری ساخته می‌شود. این شکل ماضی، مانند مضارع جاری، به گونه گفتاری اختصاص دارد و در گونه نوشتاری معمولاً به کار نمی‌رود. ساختار ماضی جاری نیز ویژه شکل مثبت است و در فعل منفی، «داشتن» از آن حذف می‌شود:

ماضی استمراری مثبت	ماضی جاری مثبت	ماضی استمراری و جاری منفی
کتاب می‌خواندم	داشتم کتاب می‌خواندم	کتاب نمی‌خواندم

۹.۱.۴ باش

«باش» بن مضارعی است که مصدر آن، «باشیدن» به معنی «بودن»، در زبان فارسی امروز منسوخ است اما این صورت، در گونه نوشتاری، به جای بودن، به کار می‌رود و کاملاً حالت رسمی دارد. در گونه گفتاری کاربرد ندارد و به جای آن از صورت‌های «است / e/» و «هست» استفاده می‌شود:

نوشتاری	گفتاری
رستوران تعطیل می‌باشد.	← رستوران تعطیله. (یعنی تعطیل است)
ایشان از دانشجویان ممتاز می‌باشند.	← ایشان از دانشجویهای ممتازن/ ممتاز هستن.
شما از دوستان خوب ما می‌باشید.	← شما از دوستان خوب ما هستید/ هستین.

۱۰.۱.۴ فعل آینده

فعل آینده که از مضارع ساده خواستن + بن ماضی ساخته می‌شود از ساختارهای ویژه نوشتار است که در گفتار معمولاً به صورت فعل مضارع به کار می‌رود:

نوشتاری	گفتاری
نامه‌ای برایتان خواهیم نوشت.	← نامه‌ای براتون می‌نویسیم.
ما با اتوبوس خواهیم رفت	← ما با اتوبوس می‌ریم.
ماشین را نخواهد فروخت.	← ماشین نمی‌فروشه. /nemifruʃe/
تا هفته دیگر خواهید آمد؟	← تا هفته دیگه میان؟

۲.۴ تفاوت‌های گفتاری «را»، نشانهٔ مفعول مستقیم

«را» نشانهٔ مفعول در گونهٔ نوشتاری است و از مؤثرترین عناصر زبانی در تفاوت‌های گفتار و نوشتار شمرده می‌شود. این جز در گونهٔ گفتاری «/o/» و «/ro/» تلفظ می‌شود و هرگز تکیه نمی‌گیرد (تکیهٔ گروه بر کلمهٔ قبل از آن قرار می‌گیرد). «-» پس از هم‌خوان، و «رُو» بعد از واکه می‌آید:

نوشتاری	گفتاری	نوشتاری	گفتاری
ایران را ←	ایرانُ /i'ranɒ/ ←	رادیو را ←	رادیو رُو
دریا را ←	دریا رُو ←	زندگی را ←	زندگی رُو
دانشجو را ←	دانشجو رُو ←	شماره را ←	شماره رُو

بعضی از مردم پس از هم‌خوان هم از «رُو» استفاده می‌کنند:

ایران را ← ایران رُو = ایرانُ

قاعدهٔ کلی تفاوت‌های «را» در نوشتار با «رو» و «-» در گفتار را می‌توان به صورت زیر

نشان داد:

/ra/ → [ro o] / [v c]

۳.۴ تفاوت‌های گفتاری ضمیرهای شخصی و مشترک

بخش مهمی از تغییرات نوشتاری به گفتاری به ضمیرهای شخصی پیوسته و ضمیرهای مشترک مربوط می‌شود. این تغییرات به چند دستهٔ زیر قابل تقسیم‌اند:

۱.۳.۴ ضمیر شخصی پیوسته پس از هم‌خوان

ضمیرهای شخصی پیوسته «-م، -ت، -ش، -مان، -تان، -شان» پس از کلمات مختوم به هم‌خوان در گونهٔ گفتاری همه تغییر می‌کنند مگر اول شخص مفرد که ثابت می‌ماند. این ضمیرها تکیه نمی‌گیرند؛ تکیه بر هجای قبل از ضمیر گذاشته می‌شود:

نوشتاری	گفتاری	نوشتاری	گفتاری	نوشتاری	گفتاری
برادرم ←	/æm/ ←	برادرم ←	/æm/ ←	برادرمون ←	/emun/
برادرت ←	/æt/ ←	برادرت ←	/æt/ ←	برادرتون ←	/etun/
برادرش ←	/æʃ/ ←	برادرش ←	/eʃ/ ←	برادرشون ←	/efun/

۲.۳.۴ ضمیر شخصی پیوسته پس از واکه

ضمیرهای شخصی پیوسته، پس از کلمات مختوم به /a, i, u/ واکه آغازی خود را در گفتار از دست می‌دهند و به شکل زیر درمی‌آیند:

پس از /a/:

نوشتاری: خدایم، خدایت، خدایش، خدایمان، خدایتان، خدایشان

گفتاری: خدام، خدات، خداهش، خدامون، خداتون، خداهشون

پس از /i/:

نوشتاری: زندگی‌ام، زندگی‌ات، زندگی‌اش، زندگی‌مان، زندگی‌تان، زندگی‌شان

گفتاری: زندگی‌م، زندگی‌ت، زندگی‌ش، زندگی‌مون، زندگی‌تون، زندگی‌شون

پس از /u/:

نوشتاری: دانشجویم، دانشجویت، دانشجویش، دانشجویمان، دانشجویتان، دانشجویشان

گفتاری: دانشجوم، دانشجوت، دانشجوش، دانشجومون، دانشجوتون، دانشجوشون

پس از /o/:

نوشتاری: رادیوم، رادیوات، رادیواش، رادیومان، رادیوتان، رادیوشان

گفتاری: رادیوم، رادیوت، رادیوش، رادیومون، رادیوتون، رادیوشون

پس از /e/:

نوشتاری: نامه‌ام، نامه‌ات، نامه‌اش، نامه‌مان، نامه‌تان، نامه‌شان

گفتاری: نامه‌م، نامه‌ت، نامه‌ش، نامه‌مون، نامه‌تون، نامه‌شون

۳.۳.۴ ضمیر شخصی پیوسته پس از حروف اضافه

ضمیرهای شخصی پس از حرف اضافه «از، با، برای، به، تو، روی» در گونه گفتاری بیش‌تر به صورت پیوسته به کار می‌روند.

نوشتاری	گفتاری	نوشتاری	گفتاری
پس از حرف اضافه «از»:			
از من	←	از تو	←
از او	←	از ما	←
از شما	←	از آنها	←
پس از حرف اضافه «با»:			
با من	←	با تو	←
با او	←	با ما	←
با شما	←	با آنها	←

پس از حرف اضافه «برای»:

برای من	←	بِرام	←	برای تو	←	بِرات
برای او	←	بِراش	←	برای ما	←	بِرامون
برای شما	←	بِراتون	←	برای آنها	←	بِراشون

پس از حرف اضافه «به»:

به من	←	بِهم	←	به تو	←	بِهت
به او	←	بِهش	←	به ما	←	بِهمون
به شما	←	بِهتون	←	به آنها	←	بِهشون

پس از حرف اضافه «واسه» - «واسه» فقط در گفتار به معنی «برای» به کار می‌رود و

بسیار رایج است:

برای من	←	واسم	←	برای تو	←	واسه‌ت
برای او	←	واسه‌ش	←	برای ما	←	واسه‌مون
برای شما	←	واسه‌تون	←	برای آنها	←	واسه‌شون

پس از حرف اضافه «روی»:

روی من	←	روم	←	روی تو	←	روت
روی او	←	روش	←	روی ما	←	رومون
روی شما	←	روتون	←	روی آنها	←	روشون

پس از حرف اضافه «تو» - حرف اضافه «تو» به معنی «در و داخل» تنها با ضمیرهای

سوم شخص مفرد و گاه جمع به کار می‌رود:

توش	←	توی آن، داخل آن	←	توشون	←	توی آنها، بین آنها
-----	---	-----------------	---	-------	---	--------------------

۴.۳.۴ ضمیر شخصی پیوسته جمع

ضمیرهای شخصی پیوسته جمع در موارد زیادی کاربرد گفتاری بیش‌تری دارند تا کاربرد

نوشتاری؛ از آن جمله است:

بعضی‌ها + ضمیر:	بعضی‌هامون، بعضی‌هاتون، بعضی‌هاشون	/bæʔzɪjamun/
خیلی‌ها + ضمیر:	خیلی‌هامون، خیلی‌هاتون، خیلی‌هاشون	/xejlɪjamun/
همه + ضمیر:	همه‌مون، همه‌تون، همه‌شون	/hæmæmun/
کدوم و ترکیبات آن + ضمیر:	کدوممون، کدومتون، کدومشون	/kodumemun/
یکی + ضمیر	یکی‌مون، یکی‌تون، یکی‌شون	/jekimun/

۵.۳.۴ ضمیر شخصی پیوسته با فعل متعدی

ضمیرهای شخصی پیوسته پس از برخی افعال متعدی جانشین ضمیر فاعلی و نشانه مفعولی «را» می‌شوند. این ساختار در گفتار کاربرد زیادی دارد:

/ˈdɪdæməʃ/	دیدمیش ←	او را دیدم
/ˈdɪdæmɛt/	دیدمت ←	تو را دیدم
/ˈdɪdæmɛtun/	دیدمتون ←	شما را دیدم

۶.۳.۴ ضمیر مشترک «خود»

ضمیر مشترک «خود» کاربرد نوشتاری دارد، نه گفتاری. در شکل گفتاری با ضمیرهای شخصی پیوسته به کار می‌رود:

نوشتاری: خودم، خودت، خودش، خودمان، خودتان، خودشان
گفتاری: خودم، خودت، خودش، خودمون، خودتون، خودشون

۴.۴ تفاوت‌های گفتاری جمع

۱.۴.۴ جمع اسم‌ها

رایج‌ترین پسوندهای جمع در گونه نوشتاری «ها»، «ان» و «ات» است که در گونه گفتاری، به جای همه آن‌ها، معمولاً از «ها»، هم برای جاندار و هم غیر جاندار، استفاده می‌شود. تلفظ «ها» در اسم‌های مختوم به /a/ و /e/ همان «ها» و در کلمات دیگر /a/ است. مثال:

/baba'ha/, /dærja'ha/	باباها، دریاها	کلمات مختوم به «ا» /a/
/darjatʃe'ha/, /hæmsqje'ha/	دریاچه‌ها، همسایه‌ها	کلمات مختوم به «ه» /e/
/pesæ'ra/, /doxtæ'ra/	پسران، دختران	جاندار با پسوند «ان» /an/
/pesæ'ra/, /doxtæ'ra/	پسرها، دخترها	جاندار با پسوند «ها»:
/æmu'a/, /daji'ja/	عموها، دایی‌ها	کلمات مختوم به «و» /u/ و «ی» /i/
/dʒæŋg'la/, /kefvæ'ra/	جنگل‌ها، کشورها	غیر جاندار با پسوند «ها»:
/emteha'na/, /tæmri'na/	امتحانات، تمرینات	کلمات مختوم به «ات»:

۲.۴.۴ جمع صفت‌ها

تعدادی از صفت‌ها در زبان فارسی کاربرد اسمی نیز دارند و در جمع پسوند «ها» و «ان» می‌گیرند. این پسوندها نیز در گفتار /a/ تلفظ می‌شوند:

/pi'ra/, /dʒævu'na/	پیران/ پیرها، جوانان/ جوان‌ها	←	پیر، جوان
/ærzu'na/, /geru'na/	ارزان‌ها، گران‌ها	←	ارزان، گران

۵.۴ تفاوت‌های گفتاری حذف

حذف از گسترده‌ترین فرایندهای آوایی گفتار در زبان فارسی است که در سطح واژه و جمله صورت می‌گیرد. رایج‌ترین موارد آن به قرار زیر است:

۱.۵.۴ حذف گروه‌های هم‌خوانی

هجای فارسی حداکثر از چهار هم‌خوان تشکیل می‌شود: هم‌خوان آغازی + واکه + یک یا دو هم‌خوان پایانی. به عبارت دیگر، ساختار هجای فارسی (C)V(C)(C) است. در گونه گفتاری زبان فارسی، هم‌خوان دوم گروه در بسیاری ترکیبات به سبب کوتاهی و سهولت بیان حذف یا دست کم ضعیف می‌شود. حذف و تضعیف «ت» ی پایانی از رایج‌ترین موارد است:

/male ʃo'mas/	مال شماست	/do'ros bud/	درست بود
/hæf ke'las/	هشت کلاس	/hæf næ'fær/	هفت نفر
/væx da'ri/	وقت داری؟	/sæx 'nægir/	سخت نگیری

نمونه‌هایی از حذف «د» پایانی:

/ton bi'ja/	تند بیا	/tʃæn ruz/	چند روز
/ton'tær bi'ja/	تندتر بیا	/bo'læn ʃo/	بلند شو

در مورد حذف هم‌خوان دوم، دو نکته زیر مهم است:

۱. حذف هم‌خوان پایانی در صورتی رخ می‌دهد که نخستین صدا در جزء بعدی هم‌خوان باشد. اگر جزء بعدی با واکه شروع شود حذف رخ نمی‌دهد و هم‌خوان پایانی به صورت کامل به تلفظ درمی‌آید. مثال‌های بالا را با مثال‌های زیر مقایسه کنید:

/tʃæn ruz, bolæn'tær/	چند روز، بلندتر	«د» حذف می‌شود:
/tʃændin ruz, bolæn'di/	چندین روز، بلندی	«د» حذف نمی‌شود:

۲. حذف در گروه‌های دو هم‌خوانی را باید موردی آموخت زیرا از قاعده ثابتی تبعیت

نمی‌کند. مثلاً، در حالی که حذف «د» از گروه «-ند» فرایند بسیار رایجی است، در همه واژه‌های حاوی این گروه، حذف صورت نمی‌گیرد؛ از جمله موارد زیر:

در کلماتی که به پسوند «-مند» ختم می‌شوند: دانشمند، هنرمند، دردمند، هیرمند، زورمند
در افعال ماضی مطلق: موند، روند، خندوند، دَووند
در بسیاری از اسم‌های عام: روند، گزند، سربند
در بسیاری از اسم‌های خاص: زند، سمند، مرند، دربند، زرنند

۲.۵.۴ حذف /h/

هم‌خوان /h/ که شکل نوشتاری آن «ه» و «ح» است در جایگاه پایانی واژه، قبل از هم‌خوان بعدی، معمولاً حذف و در وسط یا پایان هجا ضعیف می‌شود. ضعیف شدن /h/ در پایان هجا با کشیدگی واکه قبلی همراه است:

جایگاه پایانی واژه: خوابگاه، دانشگاه، کوتاه، دوازده، صبح

/xab'ga/, /daneʃ'ga/...

جایگاه پایانی هجا: فهمیدن، صحبت کردن

/fæ:mi'dæn/, /so:'bæt kær'dæn/

چنانچه /h/ قبل از واکه قرار گیرد کامل ادا می‌شود: خوابگاه شما

/xab'gahe ʃo'ma/

۳.۵.۴ حذف /ʔ/

هم‌خوان /ʔ/ که شکل نوشتاری آن «ع» است وضعی مشابه /h/ دارد: ارتفاع، شروع، موضوع، معذرت، بعد

/erte'fa/, /ʃo'ru/, /bæ:d/

تلفظ کامل قبل از واکه: ارتفاع زیاد

/erte'fae zi'jad/

۴.۵.۴ حذف حرف اضافه

برخی از حروف اضافه در گفتار حذف می‌شوند. «در» بیش‌ترین میزان حذف، هم در مفهوم زمان و هم مکان را دارد:

گفتاری

نوشتاری

← ساعت پنج (کسره اضافه هم قابل حذف است).	← در ساعت پنج
← روز شنبه (واژه روز هم قابل حذف است).	← در روز شنبه
← ماه مهر (واژه ماه هم قابل حذف است).	← در ماه مهر
← سال ۱۳۹۰	← در سال ۱۳۹۰
← تهران همه جا شلوغ.	← در تهران همه جا شلوغ است.
← شب خونه نیستم.	← شب در خانه نیستم.

در تعدادی از حروف اضافه مرکب، «در» حذف می‌شود:

در بالای دیوار، در پایین تخته، در کنار پنجره، در زیر میز ← بالای دیوار، پایین تخته،

کنار پنجره، زیر میز

«از» نیز در مواردی حذف می‌شود:

← صبح تا شب	← از صبح تا شب
← تهران تا مشهد	← از تهران تا مشهد

۵.۵.۴ حذف حرف ربط و موصول

بعضی از حروف ربط در گونه گفتاری حذف می‌شوند:

← تا رسیدی تلفن بزن.	← رسیدی تلفن بزن.
← اگر توانستی بیا کمک کن.	← تونستی بیا کمک کن.
← می‌نشینم تا همه بیایند.	← می‌شینم همه بیان.
← می‌روم که درس بخوانم.	← می‌رم درس بخونم.
← هر جا که دلش خواست می‌رود.	← هر جا دلش خواست می‌ره.

۶.۵.۴ حذف تشدید

تشدید بیشتر در گونه نوشتاری کاربرد دارد. در گفتار حذف یا ضعیف می‌شود:

نوشتاری: جمعیت، شخصیت، کیفیت، ترکیه، روسیه، سوریه، صفویه
گفتاری: جمعیت، شخصیت، کیفیت، ترکیه، روسیه، سوریه، صفویه

۷.۵.۴ حذف «ر»

حذف «ر» در پایان واژه شامل موارد معدودی می‌شود:

/ʊnqæd zi'jæde/	آنقدر زیاده	/fek 'mikonæn/	فکر کنم
/'inqæd 'næxor/	اینقدر نخور	/sæb ko'nin/	صبر کن
		/'tʃeqæd dɑ'ri/	چقدر داری؟

۸.۵.۴ هم

حرف ربط «هم» در گونه گفتاری پس از هم‌خوان به صورت «-وم» کوتاه می‌شود و تکیه نمی‌گیرد:

من هم، شما هم، صندلی هم، عمو هم /'mænəm, ʃo'muəm, sændæ'lijəm, æ'muəm/

۶.۴ تفاوت‌های گفتاری فعل‌های حرکتی

افعال حرکتی در گونه نوشتاری، مطابق قاعده کلی، در آخر جمله قرار می‌گیرند اما تعدادی از این افعال در شکل گفتاری به وسط جمله، قبل از متمم یا مفعول، منتقل می‌شوند. حرکت فعل ممکن است با حذف حرف اضافه همراه باشد. به این ترتیب، در تغییرات نحوی از گونه نوشتاری به گفتاری، گرایش از ساختار SOV به SVO مشهود است:

نوشتاری	گفتاری
ما به سینما آزادی رفتیم.	← ما رفتیم سینما آزادی.
من به تئاتر شهر می‌آیم.	← من میام تئاتر شهر.
شما را به موزه می‌برم.	← شما رُ می‌برم موزه.
به خانه برگرد.	← برگرد خونه.
روی صندلی بگذارید.	← بذارین رو صندلی.

نمونه‌های دیگر: آوردن، انداختن، رساندن، رسیدن.

۷.۴ تفاوت‌های گفتاری واژگان

بخشی از تغییرات واژگانی را می‌توان در گروه‌های جداگانه‌ای طبقه‌بندی نمود که هر گروه از قاعده خاصی تبعیت می‌کنند. این طبقه‌بندی، گرچه شامل استثنائات زیادی می‌شود، در یادگیری تفاوت‌های گفتاری مؤثر خواهد بود. مهم‌ترین تغییرات واژگانی به شرح زیر است:

۴-۷-۱ تغییر «-ان»، «آن»، /an/ به «-اون»

تغییر «-ان» در گونه نوشتاری به «-اون» در گفتار از رایج‌ترین تغییرات دو گونه است که شامل دسته‌های زیر می‌شود:

نوشتاری	گفتاری
اسم‌های عام:	نان، جان، خانه، خیابان ← نون، جون، خونه، خیابون
نمونه‌های دیگر:	نمکدان، میدان، ساختمان، دندان، باران، تابستان، زمستان
صفت‌ها:	آسان، ارزان، گریان، خندان ← آسون، ارزون، گریون، خندون
نمونه‌های دیگر:	گران، نادان، فراوان، جوان
مصدرها، بن‌ها و صورت‌های فعل:	دانستن، دان، می‌دانم ← دونستن، دون، می‌دونم
مصدرهای دیگر:	توانستن، خواندن، ماندن، تکاندن، پوشاندن، راندن
ضمیرها:	آن، ایشان ← اون، ایشان

در بسیاری کلمات، تلفظ «ان» در نوشتار و گفتار تغییر نمی‌کند:

اسم‌های عام فارسی: امتحان، لیوان، عنوان، مامان، خان، آبان.

اسم‌های خاص فارسی: پوران، توران، آرمان، آذربایجان، چمران، گیلان. تلفظ‌های دوگانه ایران/ایرون و تهران/تهرون به ترتیب به گونه‌های گفتاری معیار و غیر معیار تعلق دارند. کاربرد تلفظ معیار توصیه می‌شود.

اسم‌های عام خارجی: رستوران.

اسم‌های خاص خارجی: آلمان، پوسان، صربستان، عربستان، انگلستان، پاکستان.

۲.۷.۴ تغییر «ام»، «آم»، «am/» به «اوم»

«ام» نیز مانند «ان» در گفتار تغییر می‌کند اما بسامد کم‌تری دارد:

تمام، حمام، کدام، بادام ← تموم، حموم، کدوم، بادوم

«ام» در بسیاری کلمات عام و خاص ثابت می‌ماند: انجام، سلام، امام، بهرام، خیام، احترام، اسلام، دام، جام، درام.

۳.۷.۴ تغییر «-ر» «æɾ/» به «-a» «e/»

این تغییر کم‌ترین بسامد را دارد: اگر، مگر ← اگه، مگه

۸.۴ ساخت‌های ویژه و واژگان گفتاری

برخی از صورت‌های زبانی اختصاصاً در گونه گفتاری به کار می‌روند بدون این‌که معادل قرینه ساختاری در گونه رسمی داشته باشند. موارد زیر از آن جمله است:

۱.۸.۴ بیان سن

سن در گونه نوشتاری به دو شکل قابل بیان است: مریم ده سال دارد. مریم ده‌ساله است. از هر دو شکل در گفتار استفاده می‌شود اما گونه گفتاری شکل ویژه زیر را نیز برای بیان سن دارد که بسیار رایج است. در این شکل، از ضمیر شخصی پس از کلمه «سال» و از «است» /e/ به عنوان فعل تک‌شخصی، استفاده می‌شود. مقایسه کنید:

مریم ده سال دارد. مریم ده‌ساله است.	←	مریم ده سالشه.
شما چند سال دارید؟	←	شما چند سالتونه؟

۲.۸.۴ جمع کلمات سؤالی

کلمات سؤالی در گونه نوشتاری معمولاً جمع بسته نمی‌شوند اما در گونه گفتاری هم به صورت مفرد و هم جمع به کار می‌روند. نمونه‌های زیر همه گفتاری‌اند:

چی‌ها: چی‌ها می‌خرین؟	کجاها: کجاها می‌رین؟
چیکارها: چیکارها می‌کنین؟	کدوم‌ها: کدوم‌ها رُ دوست دارین؟
کی‌ها /ki'ja/: کی‌ها رُ می‌شناسین؟	کی‌ها /ke'ja/: کی‌ها کار می‌کنین؟

۳.۸.۴ تا

«تا» به عنوان واحد شمارش تنها در گفتار کاربرد دارد و در شکل نوشتاری به جای آن از کلمات دیگر استفاده می‌شود:

نوشتاری: دو جلد کتاب، دو نفر کارمند، دو قالب صابون، دو عدد نان
گفتاری: دو تا کتاب، دو تا کارمند، دو تا صابون، دو تا نون

۴.۸.۴ تذکر و یادآوری

فعل امر به معنی درخواست و دستوری است برای انجام کاری در زمان حاضر یا در آینده. در صورتی که قصد تذکر و یادآوری برای انجام کاری یا پرهیز از فراموش کردن چیزی را داشته باشیم، در حالت مفرد، به فعل امر «ی» اضافه می‌کنیم اما صورت جمع تغییر نمی‌کند. این کاربرد در هر دو گونه نوشتاری و گفتاری رایج است ولی در گفتار رواج زیادی دارد. منحصراً در شکل گفتاری به انتهای ساختار یادشده جزء «ها» /a/ را اضافه می‌کنیم:

نوشتاری و گفتاری: پول بگیری، زود بخوابی	جمع: پول بگیرین، زود بخوابین
کم نگیری، دیر نخوابی	جمع: کم نگیرین، دیر نخوابین

فقط گفتاری: پول بگیری‌ها، زود بخوابی‌ها
جمع: پول بگیری‌ها، زود بخوابی‌ها
کم نگیری‌ها، دیر نخوابی‌ها
جمع: کم نگیری‌ها، دیر نخوابی‌ها

۵.۸.۴ چمه؟ چته؟ چشه؟

کاربرد کلمه سؤالی «چه» با فعل بودن به صورت فعل یک‌شخصی از ساختارهای ویژه گفتار است که مفهوم پرسش در مورد نگرانی، ناراحتی و وجود مشکل و گرفتاری را می‌رساند. سؤال مستقیم «چته» و «چتونه» از مخاطب مؤدبانه محسوب نمی‌شود و فقط در مورد نزدیکان، دوستان صمیمی و کوچک‌ترها جایز است. نمونه‌های زیر گفتاری‌اند:

چته؟ از چی ناراحتی؟ - نمی‌دونم چمه. ولی چیز مهمی نیس.
بچه‌ها چه شونه؟ بچه‌ها چه مشکلی دارن؟ - شاید گرسنه شون باشه.

۶.۸.۴ معرفه گفتاری

با افزودن «هجای پایانی» /e/ به اسم در گونه گفتاری، شکل معرفه ویژه گفتار ساخته می‌شود. در این ساختار، تکیه بر پسوند «هجای پایانی» قرار می‌گیرد:

نوشتاری: آن پسر، آن دختر، آن کتاب، آن مداد
گفتاری: پسره، دختره، کتابه، مداده
/pesæ're, doxtæ're, keta'be, meda'de/

۷.۸.۴ = ش

ضمیر «-ش» در گونه گفتاری کاربرد شناسه سوم شخص مفرد را دارد: رفتیش، گفتیش، هستیش، نیستیش.

۸.۸.۴ واژگان اختصاصی گفتار

در گفتار، واژه‌ها و ترکیبات بسیاری وجود دارد که در گونه نوشتاری به کار نمی‌روند: واسه (برای)، تو (در، داخل)، کو (کجاست)، آره (بله، بلی)، چه جوری (چگونه، چطور)، یارو (فلان کس)، پا شدن (برخاستن)، در رفتن (فرار کردن).

۵. نتیجه‌گیری

زبان فارسی و پیشینه فرهنگی و تمدنی آن در بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی جهان مورد توجه و علاقه دانشجویان و ایران‌دوستان است. در حالی که تمایل به یادگیری مهارت

گفتاری هدف مشترک عموم فارسی‌آموزان به شمار می‌آید، کسب این مهارت، به دلیل تفاوت‌های بارز میان دو گونه نوشتاری و گفتاری، دشواری‌های فراوان به همراه دارد.

آموزش تکلم فارسی مستلزم شناخت و اشراف بر تفاوت‌های یادشده است که، بیش از همه، با قرار گرفتن در محیط فارسی‌زبان و ارتباط واقعی و طبیعی با اهل زبان، ضمن آموزش کلاسی، میسر می‌شود اما اکثریت فارسی‌آموزان خارجی این زبان را در محیط بیگانه و، بدون امکان ارتباط با ایرانیان، به گونه نوشتاری می‌آموزند.

در این مقاله، مجموعه تغییرات زبان فارسی از نوشتار به گفتار دسته‌بندی گردید و توضیح داده شد تا در برنامه‌های درسی مراکز آموزشی خارج و داخل کشور، به تناسب نیاز، مورد استفاده مدرسان و زبان‌آموزان واقع شود. از عمده‌ترین این موارد می‌توان به تغییر، کاهش و افزایش واجی و واژگانی، جابه‌جایی از SOV به SVO، ادغام واژگانی و ساخت‌ها و عناصر ویژه گفتار اشاره کرد که اغلب به اختصار و کوتاه شدن شکل گفتار نسبت به نوشتار منتج می‌شوند. چند نمونه زیر مؤید این نکته است:

گفتاری	نوشتاری
میاد (۱ کلمه)	← او می‌آید (۲ کلمه)
بخرش (۱ کلمه)	← آن را بخور (۳ کلمه)
پدرتم (۱ کلمه)	← من پدر تو هستم (۴ کلمه)
کمکت می‌کنه (۲ کلمه)	← او به تو کمک می‌کند (۵ کلمه)
کتابه رو می‌خرم (۲ کلمه)	← من آن کتاب را خواهم خرید (۶ کلمه)
یک می‌بینمت (۲ کلمه)	← من تو را در ساعت یک می‌بینم (۷ کلمه)
مرداد میاریمش (۲ کلمه)	← ما او را در ماه مرداد خواهیم آورد (۸ کلمه)
جمعه با ماشینه می‌ریم ده (۵ کلمه)	← ما در روز جمعه با آن ماشین به ده خواهیم رفت (۱۱ کلمه)

منابع

- اکبری، منوچهر (۱۳۸۱). «مشکلات گروه دانشجویان خارجی دانشگاه تهران»، سومین ره آورد: گزارش سومین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- الزیموسی، و داد (۱۳۸۷). «وضعیت زبان فارسی در دانشگاه‌های مغرب»، در مجموعه مقالات ششمین مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی، به کوشش عباسعلی وفایی، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی و مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی.

جعفری، فاطمه (۱۳۹۰). «آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان و اهمیت توجه به تفاوت زبان گفتار و نوشتار»، در نخستین همایش بین‌المللی گسترش زبان و ادبیات فارسی، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی و دانشگاه علامه طباطبایی.

حسینی، حمید (۱۳۸۴). *واژه‌های پرکاربرد فارسی امروز*، تهران: کانون زبان ایران.
زاهدی اصل، سارا (۱۳۸۳). «مقایسه کلامی گفتار و نوشتار زبان فارسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

صفارمقدم، احمد (۱۳۸۶). *مجموعه زبان فارسی برای غیر فارسی‌زبانان*، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

صفارمقدم، احمد (۱۳۹۱). «گونه‌های گفتاری و نوشتاری در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان»، *زبان‌شناخت*، س ۳، ش ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

صفارمقدم، احمد (۱۳۹۲). *مجموعه فارسی گفتاری برای غیر فارسی‌زبانان*، طرح پژوهشی پایان‌یافته و آماده چاپ، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۱). *دستور خط فارسی*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
فولادی، پریسا (۱۳۸۲). «تعیین برخی تفاوت‌های آوایی، صرفی و نحوی گونه نوشتاری با گونه گفتاری (گفت‌وگویی) در زبان فارسی تهرانی»، پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

کلباسی، ایران (۱۳۸۰). «فارسی گفتاری و نوشتاری»، فرهنگ (ویژه زبان‌شناسی)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

گشمردی، محمودرضا (۱۳۸۳). «پیشینه آموزش زبان خارجی»، *مجله پژوهش زبان‌های خارجی*، تهران: دانشگاه تهران.

مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

مدرسی، یحیی (۱۳۸۰). *فارسی در گفتار*، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
وحیدیان کامکار، تقی (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی گفتاری*، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
هاتف حق، ترانه (۱۳۸۰). *بررسی و توصیف بند در سبک گفتار زبان فارسی و مقایسه آن با سبک نوشتار*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Assi, Mostafa (2012/ 1385). <http://ihcs.ac.ir/files/PLDB-REPORT85>. PDF.

Brown, H. Douglas (2001). *Teaching by Principles, an Interactive Approach to Language Pedagogy*, San Francisco State University.

Brown, H. Douglas (2007). *Principles of Language Learning and Teaching*, New York: Pearson Education.

Kelly, L.G. (1969). "25 Centuries of Language Teaching: 500 BC", Rowley, Mass: Newbury House.

Larsen-Freeman, Diane (2003). *Techniques and Principles in Language Teaching*, Oxford: Oxford University Press.

Marcwardt, Albert D. (1972). "Changing winds and shifting sands", *MST English Quarterly*: 3-11.

Mitchell, C & Vidal, K. (2001). "Weighing the ways of the flow: Twentieth century language instruction", *Modern Language Journal*, 85.

Nunan, David (1991b). *Language Teaching Methodology: A Textbook for Teachers*, New York: Prentice-Hall.

Nunan, David (1998). *Second Language Teaching & Learning*, Boston: Heinle & Heinle Publishers

Richards, Jack C. and Rodgers, Theodore S. (1990). *Approaches and Methods in Language Teaching: a description and analysis*, Cambridge: Cambridge University Press.

Saussure, Ferdinand (1966). *Course in General Linguistics*, New York: McGraw-Hill.

<http://www.miu.ac.ir/> جامعه المصطفی العالمیه

<http://ui.ac.ir/> دانشگاه اصفهان

<http://www.ikiu.ac.ir/fa/> دانشگاه امام خمینی قزوین

<http://ut.ac.ir/> دانشگاه تهران

<http://www.shirazu.ac.ir/> دانشگاه شیراز

<http://persian-language.org> شورا و مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی

www.persianlanguagecenter.com مرکز آموزش زبان فارسی - دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

<http://ilis.ir> مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی - مدرسه علمیه المهدی